



۲۰۱۸/۰۳/۰۸

ولی احمد نوری

پاسخی به بناغلی حسیب الله خان و یا عبدالمجید خان کابلی یا میرمن آسیه جان

بناغلی حسیب الله خان از کشور آلمان!؟

نوشته های شما را در این سو و آن سو بسته و گریخته خوانده و به بی ارزشی آنها از قبل متوجه بوده ام. نوشته های شما همیشه به امراض مهلک بدبینی، بد اندیشی، تعرض به شخصیت ها و خود بزرگ بینی گرفتار بوده و از شما یک نوع "ازدهای خودی" کوچک ساخته است سوار بر مرکب کبر و نخوتی که نا خوانده خود را مهمان هر دوعی ساخته اید. هر نوشته بی سر و پای شما را که در برابر بزرگمرد فهم و دانش و شخصیت فرهیخته جناب سدید صاحب مستطاب خوانده ام، از ناتوانی های تحریر شما و اغلاط املائی و انشایی و متنی تان که بگذریم دلم به حال تان سوخته است که چرا یک "جوبچه" خود را به یک "دریا" برابر می کند، که شما هستید. از اینها بگذریم و بیاییم به سر اصل مطلب، مطلبی که با تأسف سبب نوشتنم به شما و در باره شما شده است.

برای بار اول اسم شما (حسبب الله) را به تاریخ ۲۰۱۸/۰۲/۲۲ در بخش نظر خواهی وبسایت آریانا افغانستان آنلاین دیدم که نوشته بی سر و پای را با صد ها غلطی املائی، انشایی، متنی و خاصناً صرفی و مخصوصاً تعرضی به عنوان شخصیت عالی مقامی (جناب سید هاشم سدید) نوشته و با ایمیل [ح. کریمی از آلمان h.karimi@gmx.de] برای نشر فرستاده بودید، که من شخصاً در نشر آن متردد بودم، ولی همچنین وقتی دیدم که محترمین از همکاران سایت عدم نشر آنرا پیشنهاد نموده بودند، مسرور گردیدم.

برای قناعت خاطر تان قطره ای از جویبار و نمونه ای از خروار اغلاط نوشته تانرا در این چوکات برای ملاحظه تان میگذارم:

■ رنگ سیاه ، نوشته اصلی تان

■ رنگ سرخ، اشتباهات املائی و انشایی

■ رنگ سبز، تصحیح و پیشنهاد

■ رنگ آبی، تشریحات و ملاحظات

- ۱ -- میگوئید [...] من را (سرخ) به حیث چند شخص خوانده با ضمیر جمع "شما" مخاطب قرار می دهد (سبز) // میگویم ... نخیر جناب حسیب الله خان! دانشمند بزرگوار سدید شما را از احترام با صیغه جمع، (شما) خطاب نموده اند که کار مردمان بلند تربیه و رواج مقبول جامعه است. اگر اینطور نیست شما خونتان در نوشته ای که در صفحه بعدی ملاحظه میفرمائید چرا اینجانب را "ایشان" یعنی جمع ضمیر غایب خطاب نموده اید؟ و آیا مثلاً پدر محترم تانرا چی خطاب میکردید؟ شما و یا تو؟ یا شما آنقدر در پیله عقده حقارت پیچیده اید که شاید ضمیر احترامانه "شما" را در ضمیر خود سراغ کرده نمی توانید.
- ۲ -- میگوئید [...] سه (سبز) چهار مکتوب به اصطلاح بی سر و پا به آدرس من مسکین فرستاید (سبز) (فرستاید) // میگویم ... جناب حسیب الله خان! یک اشتباه کوچک تایی را صرف به هدف تحقیر و توهین من به رخ کشیده اید، متوجه گریبان خود هم لطفاً باشید. نه یکبار بل صدها بار در حقیقت به خود تان این تحقیر را روا داشته اید.
- ۳ -- میگوئید [...] و هم این بنده ای (سبز) مسکین را //

میگویم ... جناب حسیب الله خان! که شما باید اول از مبادی صرف و نحو خود را واقف ساخته و به تفاوت بین بای وحدت و همزه اضافت پی ببرید باز اشاره به یک اشتباه ناچیز تاییبی دیگران ننمائید.

۴ -- میگوئید **[[... چهل هزار کلمات (چهل هزار کلمه)]]**.

میگویم ... جناب حسیب الله خان! باز هم شما اساسات درست نوشتن را اول بیاموزید که بدانید در گرامر دری وقتی از تعداد چیزی ذکر به عمل می آید خود آن چیز حالت مفرد خود را حفظ مینماید. یعنی چهل هزار کلمه درست است نه چهل هزار کلمات چون تعداد آن معین و معلوم است ولی اگر عوض عدد صفتی و یا قیدی ذکر گردد و تعداد معین و معلوم نباشد در آنصورت جمع میگردد مثلاً "تعداد بیشمار کلمات" که درینجا "کلمات" به شکل جمع استعمال شده است

۵ -- میگوئید **[[... مضمین نامه ای تان (نامه تان)]]** -- **[[... چنا چه در طول قرن (چنانچه)]]** -- **[[... جناب سدید عزیز شما تحت شماره ای (نامه) ؟ نامه ای (نامه) تان می فرماید (فرمائید)]]**...

میگویم ... جناب حسیب الله خان! اول توجه به اشتباهات املائی خود نمائید ، بعد از نگاه انشایی سر در گریبان فرو برید و ببینید که حتماً منظور تان از "تحت شماره ای (نامه) ؟" ، "نامه تحت شماره ؟" و یا "تحت نامه شماره ؟" یوده است و راستی، فراموش نکنید که یک بار دیگر سری هم به فقره ۳ در بالا بزنید.

و بدین منوال بعداً دو نوشته دیگر شما یکی به تاریخ ۲۰۱۸/۰۲/۲۵ به نام حسیب الله در ستون نظرات وبسایت محبوب تان افغان جرمن و دیگری به عین تاریخ ۲۰۱۸/۰۲/۲۵ زیر چادری (عبدالمجید کابلی) در بخش نظرات آریانا افغانستان آنلاین به عین متن و محتوا (اگر بتوان محتوایش خواند) از یک ایمیل تقلبی به نام بی بی آسیه جان میوند (maiwand@asia.com) آمده است که معلوماتار مثل همیشه غرق در غلطی های گوناگون و تفکر مریضانه است که اشتباه نا چیز تاییبی این حقیر، سبب افتخار دارین شما گردیده بود، زیرا شما عالم و متبحر دهر در نوشته من (ضیاع الملت والدین) را در عنوان مطلب دیدید ولی (ضیاع الملت والدین) را که دو مرتبه دیگر در متن آمده است، ندیدید و یا هم برای توهین من و انتقام گرفتن از عدم نشر نوشته ۲۰۱۸/۰۲/۲۲ تان در آریانا افغانستان آنلاین همان [ضیاع] عنوان را که یک اشتباه تاییبی و انسانی بود، با چنگ و دندان محکم گرفته به رخ من کشیدید و فتوای بی سوادی مرا صادر نموده از شادی اتن انداختید و پاپکوبی کردید. من در نوشته های قبلی ام وقتی از احمد ضیاء مسعود برادر قهرمان ملی؟؟؟ یاد کرده ام احمد "ضیاع" مسعود ننوشته ام که باید می نوشتم پس درینجا چرا باید چنین به خطا رفته باشم غیر از آنکه یک لغزش ناچیز تاییبی من ۸۵ ساله بوده باشد؟

و به همین منوال نامه دیگری به تاریخ اول مارچ ۲۰۱۸ در صفحات (از هر چمن سمنی) نشر شد که آنرا در پایان از نظر مبارک تان می گذرانم تا بالاخره متوجه شوید که بیسواد کیست؟؟؟ با عرض حرمت، ولی احمد نوری

اکیداً: برای من این بحث خاتمه یافته است زیرا آنرا درین مقطع حساس تاریخ افغانستان عزیز "ضیاع" وقت برای خود و وطندارانم میبندارم

...

اسم: حسیب الله محل سکونت: آلمان تاریخ: ۳/۱/۲۰۱۸

در بخش خدمات و **کارهای** **کارهای** خوب امیر عبدالرحمن خان، **بخصوص** **بخصوص** در بخش **کارهای** **کارهای** مثمر آن امیر در بخش دولت سازی، نه تنها تحقیقات، توضیحات و تشریحات جناب محترم داکتر سید عبدالله کاظم قابل تحسین و احترام اند، بلکه تحقیقات، توضیحات و تشریحات جناب محترم **کاندید** **کاندید** اکادمیسین **اکادمیسین** محمد اعظم سیستانی نیز قابل تحسین و احترام میباشد. زیرا خدمات و **کارهای** **کارهای** مثمر امیر عبدالرحمن خان، **بخصوص** **بخصوص** در بخش دولت سازی موضوعیست که یک تعداد زیادی از مردم عزیز ما از آن نا مطلع مانده اند! [اولاً در هر زبانی که باشد یک جمله در ۵ سطر کفر نویسندگی است. و بعداً شما کارهای خوب امیر کبیر را گذاشته و به تحسین و توصیف "تحقیقات، توضیحات و تشریحات" دیگران پرداخته اید که نفهمیدم چه ربطی به موضوع دارد؟؟؟؟]

تبصره **تبصره** اخیر من در **ارتباط** **ارتباط** به امیر عبدالرحمن خان، شوخی و مزاحی بود. در قبال **اشتباهی** **اشتباهی** املانی جناب محترم ولی احمد نوری که جناب ایشان لقب امیر عبدالرحمن خان را با حرف ع نوشته بودند: یعنی از بجای **ضیاء الملت** **ضیاء الملت** والدین آقای ولی احمد نوری در عنوان **مقاله** **مقاله** شان ضیاع الملت والدین نوشته بودند. من با اندکی شوخی و

مزاح از جناب محترم ولی احمد نوری **سوالی** **سوالی** نموده بودم و آن **سوال** **سوال** به زبان عامیانه اینطور میشود: خو آغای ولی احمد نوری! ضیاع الملت! ضیاء الملت! والدین دگه چه گفته بود؟ **باز هم یک جمله به طوالت یک پراگراف که در آن اسم این حقیر ۵ بار ذکر گردیده با مکررات مکرر دیگر**

اما فارغ از شوخی و مزاح، در **رابطه** **رابطه** باید گفت که به همان اندازه که **حیث** **بحث؟؟؟؟ منظور حیث نباشد** یک سیر تاریخی **تاریخی** بسیار مهم و دارای اهمیت می باشد که ما در آن **مثلاً** **مثلاً** از علم و هنر امیر عبدالرحمن خان که تقریباً یک **قرن** **تقریباً یک و نیم قرن پیش از** امروز آن برای دولت داری استفاده نموده بودند، با خبر، مطلع و آگاه باشیم، اما در عین زمان مهم است، هر گاه ما توجه خود را به اوصاف و مشخصات یک **حکومت داری** **حکومتداری** خوب در اوایل قرن بیست و یک میلادی معطوف می داریم، **تغییرات** **تغییرات** یک قرن را فراموش نکنیم، با **تغییرات** **تغییرات** در عرصه های مختلف **حکومت داری** **حکومتداری**، با ایجاد قوانین و فرامین بین المللی در **عرصه ای** **عرصه** حقوق بشر، با **بندی** **باندی** و مقید بودن دولت ها از **به** **قوانین بین المللی**، **بالاخره** **بالاخره** با جمله **تغییراتی** **تغییراتی** که در طول یک قرن گذشته مرتبط به یک **حکومت داری** **حکومتداری** خوب عرض اندام نموده اند. **باز هم یک جمله در هفت و نیم سطر؟ سر کلاوه کم. درهم و برهم و غیر قابل فهم و گنگ**

در یک جمله کوتاه میتوان گفت: تاریخ فقط و فقط زمانی به درد ما می خورد و یا برای ما اهمیت دارد، که ما بتوانیم برای حال و آینده از آن **استفاده** **استفاده** "خوب و مثمر" **نمائیم** **نمائیم** و یا نسل های آینده بتوانند، از آن برای حال و **بند** **بند** **استفاده** **استفاده** "خوب و مثمر" نمایند!

در صورتی که ما از **تاریخ** **تاریخ** برای حال و آینده **استفاده** **استفاده** "خوب و مثمر" نتوانیم، تاریخ به چه درد خواهد خورد؟ **این جمله مگر تکرار بالا نیست؟ و باز جمله بالا تکرار و خلاصه از پراگراف بالا تر از آن نیست؟**

من با این جمله و یا با این **گفته ای** **گفته** جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم **بالکل** **بالکل** موافقم که می فرمایند: در طول **تاریخ** **تاریخ** بارها دیده شده است که ریفورمیست های بزرگ، دشمنان بزرگ نیز داشته اند.

اما **سوال** **سوال** در این است که هر گاه ما از سیر **تاریخی** **تاریخی** ریفورمیست های بزرگ جهان سری به حال بزنیم، یعنی هر گاه ما از سفر های **تاریخی** **تاریخی** کم و بیش طولانی گذشته وارد حال شویم، به نظر این بنده، ما می بینیم یقیناً، که یکی از بزرگ ترین ریفورمیست های عصر **ریس** **ریس** **رنیس** **رنیس** جمهور عالم ما میباشد.

یعنی افغانستان ما در یک وضعیت و حالت ریفورم **شناوری دارد** **شناور است**!

چیست **هدیه ای** **هدیه** علم **تاریخ** **تاریخ** و چیست **هدیه ای** **هدیه** محققین تاریخ ما بر **چنان** **چنین** عصر؟ البته این فقط و فقط یک **سوال** **سوال** است! با عرض احترامات **فایده** **فایده** **حسب الله**

این دو پراگراف آخر ضرب المثل "ده در کجا و درخت ها در کجا" را به بهترین شکل تداعی میکند که باید برای حسیب الله خان با چشمان اشکبار تبریک گفت

(حسب الله خان! به اضافه ذکر اشتباهات املائی تان باید تفهیم شوید که ضعیف ترین نوشته آن است که نویسنده مثل جناب شما نتواند مطلب خود را در جمله های کوتاه ولی جامع عرضه نماید. مثلاً شما با یک جمله ۵ سطری که تمام پراگراف اول این نوشته را احتوا نموده، بر معلم دری تان لعنت فرستاده اید. بالاخره باید به اذعان تان رسانیده شود که در مسایل جدی، خصوصاً ملی مزاح و شوخی جای ندارد و فهمیده نمیشود که شما چرا و به چی جهت اطوار طفلانه از خود بروز میدهید. ولی فهمیده میشود که چون ریگی در کفش دارید خود را مگس هر دوغ ساخته و با چادری و نقاب، ناخوانده وارد معرکه ای گردیده اید که از عقل و فراست شما به فرسخ ها دور است ولی چون وظیفه ای برایتان محول گردیده که باید انجام دهید، مذبوحانه در پی این و آنید تا درزهایی را که اگر در جامعه افغانی نیستند ایجاد نمائید و اگر هستند بیشتر عمیقتر بسازید.

به آرزو بهبودی تان و چشم ما به راه راستی که جناب شما هر چه زود تر به آن هدایت گردید. آمین